

## طراحی و اعتبار یابی الگوی مشاوره‌ای مدیریت تعارضات زناشویی مبتنی بر رویکرد سهم‌گذاری

زهرا مطهری نسب<sup>۱</sup>، معصومه اسمعیلی<sup>۲</sup>، ابراهیم نعیمی<sup>۳</sup>، محمد عسگری<sup>۴</sup>

### چکیده

**هدف:** هدف از انجام پژوهش حاضر مطالعه طراحی و اعتبار یابی الگوی مشاوره‌ای مدیریت تعارضات زناشویی مبتنی بر رویکرد سهم‌گذاری است.

**روش:** اطلاعات مورد نیاز این پژوهش از طریق رویکرد کیفی و به شیوه نظریه زمینه‌ای انجام شد. ابتدا مشارکت‌کنندگان پژوهش جهت انجام مصاحبه، طبق اهداف و ملاک‌های تعیین‌شده (در پرسشنامه تعارضات زناشویی جمشیدی و همکاران (۱۳۹۵) نمره پایین‌تر از میانگین و در پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ (۱۹۸۹) و پرسشنامه سبک زندگی سهم‌گذارانه اسمعیلی و همکاران (۱۴۰۰) نمره بالاتر از میانگین کسب کردند) انتخاب شدند. نمونه انتخابی شامل ۱۲ نفر از زوجین بود و برای استخراج داده‌ها، از ابزار مصاحبه نیمه ساختاریافته استفاده شد. اطلاعات حاصل از مصاحبه‌ها و نیز متون حاصل از رویکرد سهم‌گذاری، با استفاده از روش اشتراوس و کوربین در سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و الگوی مدیریت تعارضات زناشویی مبتنی بر رویکرد سهم‌گذاری طراحی شد. سپس برای اعتبار یابی از روش گوبا و لینکلن (۱۹۸۵) استفاده گردید و الگوی طراحی‌شده توسط صاحب‌نظران و متخصصان مشاوره در حوزه مشاوره و زوج‌ارزیابی و اصلاح قرار گرفت.

**یافته‌ها:** الگوی مشاوره‌ای مدیریت تعارضات زناشویی مبتنی بر رویکرد سهم‌گذاری جهت کاهش تعارضات زناشویی با عوامل زمینه‌ساز، عوامل علی، راهبردها و عامل مداخله‌گر استخراج شد. در ادامه جهت پاسخ به سؤال دوم پژوهش، اعتبارسنجی الگوی مستخرج نیز تحت نظارت متخصصان حوزه تعارضات زناشویی ارائه شد.

**نتیجه‌گیری:** پژوهش حاضر نشان می‌دهد بهره‌گیری از الگوی مدیریت تعارضات زناشویی می‌تواند در حل و یا کاهش تعارضات زناشویی پیش‌بینی‌کننده خوبی باشد و می‌تواند مراجعین را به سطوح بالاتری از آگاهی از نقش خود در رابطه زناشویی ببرد.

**کلیدواژه‌ها:** تعارضات زناشویی، رضایت زناشویی، سهم‌گذاری، طراحی الگو

۱. نویسنده مسئول. دانشجوی دکتری دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران. Motahari1355@gmail.com  
۲. استاد گروه مشاوره، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران  
۳. استادیار گروه مشاوره، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران  
۴. دانشیار گروه سنجش و اندازه‌گیری، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران

## مقدمه

« تعارض بین فردی » به تعامل بین افرادی گفته می‌شود که منافع، دیدگاه‌ها یا نظرات متضادی دارند و عقاید مخالف خود را ابراز می‌کنند (تروپ<sup>۱</sup>، ۲۰۰۸) نیازها خواسته‌ها و تمایلات ناهماهنگ بین زوج‌ها زمانی اتفاق می‌افتد که یکی از طرفین یا هر دو برای رسیدن به نیازشان خودخواه باشند، یا قادر نباشند منظور خود را تفهیم و دیگری را با خود همراه کنند. در این میان ممکن است برخی خواسته‌ها و نیازهای برآورده نشوند و این عدم ارضای نیاز سبب بروز خشم و ناامیدی ناراضیاتی می‌شود و در پی آن تعارض به وجود می‌آید. باوجود طبیعی بودن تعارضات زوجین (ام بی وایر<sup>۲</sup>، ۲۰۱۷)، ادامه این درگیری‌ها علاوه بر ایجاد علائم هشداردهنده قابل توجه مانند بی‌احترامی به یکدیگر، افزایش ناامیدی، افزایش جروبخت و خشم، شیوع حاکمیت منفی، افزایش سرزنش، کاهش همکاری، افزایش احساس تنهایی و افزایش بدرفتاری، کاهش رابطه جنسی، کاهش اعتماد به نفس، کاهش تصمیم‌گیری‌های مشارکتی، کاهش یا عدم اشتراک افکار و احساسات و اعمال یاورانه، کاهش یا عدم لمس کردن یکدیگر را در پی داشته (ام بی وایر، ۲۰۱۷)

تعارضات زناشویی سابقه طولانی دارد و به لحاظ منطق زمانی می‌تواند شکل‌های مختلفی از قبیل تعارض‌های مرحله پیش از ازدواج، مرحله نامزدی، مرحله اولیه ازدواج و مرحله ثانویه ازدواج (فتحی و همکاران، ۱۳۹۴) و همچنین علل مختلفی که شامل عوامل خانوادگی، فردی، محیطی و معنوی (هوشمندی و همکاران، ۱۳۹۸) را دارا باشد. در درمان‌های هیجان‌مدار فرض بر این است که اگر زوجین قادر نباشند، نیازهای دل‌بستگی خود را تأمین و رضایتمندی به دست آورند، این هنگام آغاز تعارض زناشویی در بین آن‌ها خواهد

بود (جانسون و همکاران<sup>۳</sup>، ۲۰۱۳)؛ بنابراین زوجین تلاش می‌کنند تا ترس‌ها و نیازهای خود را بشناسند و ابراز کنند تا به دل‌بستگی ایمن برسند. این امر موجب تغییرات پایدار در رابطه زوجین و رضایت زناشویی آن‌ها می‌شود (نقی نسب اردهائی، ۱۳۹۷ و جعفری، ۱۳۹۷) و یا در درمان شناختی رفتاری فرض بر این است که نارسایی شناختی و هیجانی می‌تواند یکی از دلایل تعارضات زناشویی زنان در معرض طلاق باشد (عباسی و همکاران، ۱۳۹۷)؛ بنابراین در این روش درمانی، به آموزش مهارت‌های ارتباطی، حل مسئله و اصول مبادله رفتاری پرداخته می‌شود (هالوگ و مارکمن<sup>۴</sup>، ۱۹۸۸؛ گاتمن<sup>۵</sup>، ۱۹۹۵) و الگوهای اسناد، باورها و تحریفات شناختی و افکار مورد توجه و مداخله روان‌شناختی قرار می‌گیرد (الیس<sup>۶</sup>، کوری ۲۰۱۳).

یکی دیگر از رویکردهای موجود در حوزه مشاوره و خانواده‌درمانی، رویکرد سهم‌گذاری است که توسط اسمعیلی (۱۳۹۳) مطرح شده است. این رویکرد برگرفته شده از آموزه‌های هستی‌شناسانه قرآن کریم درباره انسان مبانی و اصولی را برای توصیف و تبیین روابط بین فردی، اشخاص تبیین می‌کند که در جریان این گفتمان زن و شوهر خود را به‌عنوان یکی از مخلوقات جهانی که هدفمند آفریده شده می‌پذیرند، نظام جهان آفرینش را احسن و گسترده و پیوسته درک می‌کنند و در این نظام احسن با نقش پذیرفته شده جدید به‌عنوان همسر وارد یک سرمایه‌گذاری عاطفی، حمایتی می‌شوند و در تلاش هستند تا از نقطه ستم‌خواهی به نقطه سهم‌گذاری در زندگی مشترک برسند. این الگو شامل پنج مبنای زیربنایی شامل: مخلوقیت سهم‌گذار، آفرینش احسن، پیوستگی و وسعت هستی، هدفمندی آفرینش و زوجیت است. این رویکرد در بخش فنون از فنون مختلف مانند پرسش و پاسخ، انعکاس،

3.6. Johnson SM & et al  
4. Hahlweg, K. & Markman, H. J  
5. Gottman, J. M.  
6. Ellis, A

1. Troupe, F  
2. Mbwirire, J

مواجهه، مباحثه، استعاره و تمثیل و تصویرسازی ذهنی و دیگر فنون بهره می‌برد.

بر اساس این رویکرد انسان‌های سالم و غیرسالم بر پیوستاری از تاله قرار دارند. افراد سالم داری آگاهی و شناخت صحیح از خود هستند، جهان و خالق خود را می‌شناسند و عواطف و هیجانات خود را متناسب با اهداف آفرینش تنظیم و سپس عمل متناسب با همین شناخت با معیار خدامحوری دارند. نوع نگاه آنان به جهان و پروردگار، نگاه به وجودی واقعی و مستقل از ذهن فاعل شناسا است. نگاه آنان تابع قوانینی یکپارچه و در پیوستار زمانی مبدأ تا معاد است که به هستی بازمی‌گردد. آن‌ها درک صحیحی از اصول و فروع دارند با شناخت حق خود و حق دیگران به گسترش انعطاف در روابط پرداخته و برای رشد خود به ادای سهم گذاری نسبت به دیگری می‌پردازند.

مرور ادبیات پژوهشی بیانگر آن است که تاکنون پژوهش مستقیمی به بررسی اثربخشی نظریه سهم گذاری در کاهش تعارضات زناشویی نپرداخته و کاربست آن در سایر زمینه‌ها موردپژوهش بوده است. شعبانی (۱۳۹۷) طی پژوهشی به بررسی کیفی نقش گفتمان سهم گذاری در زنان رضایتمند و مطلقه پرداخته است. یافته‌ها نشان داد که بالاترین فراوانی اصول زوجیت در زنان رضایتمند مربوط به ارتباط لازمه تکمیل بشر، ایجاد آرامش، مودت و رحمت و رعایت نقش زوجی پس‌ازآن، در یک پیوستار زمان و سپس مسئولیت در مقابل اهداف آفرینش بود. مرادی و همکاران (۱۴۰۱)، الگوی گفتمان امید با محوریت سهم گذاری را انجام دادند و نتایج بیان می‌کرد گفتمان امید با محوریت سهم گذاری بیانگر روایت‌های مثبت و منسجم، عاطفه مثبت، ادراک شناختی مثبت با ذهن آگاهی و تفکر تعالی نگر، عمل‌گرایی، رشد‌گرایی، ارتباط‌گرایی، دید مثبت و هدفمند در فرد امیدوار سهم‌گذار بود. شناخت عوامل مؤثر در این گفتمان امکان امیدافزایی و شکوفایی فرد،

خانواده و جامعه را فراهم می‌کند. در پژوهش حاجی هاشم و همکاران (۱۴۰۰)، با عنوان بررسی مبانی سهم‌گذاری در اندیشه امام موسی صدر، نشان‌دهنده هم‌راستایی با الگوی سهم‌گذاری و دو مضمون فراگیر «ابفای نقش» و «وسعت بخشی» فصل مشترک اندیشه صدر و سهم‌گذاری شناخته شد. عسلی طالکویی و همکاران (۱۴۰۱)، در پژوهش طراحی و اعتبار یابی الگوی تعاملات والد-فرزندی مبتنی بر آموزه‌های قرآنی با تمرکز بر رویکرد سهم‌گذاری، دریافتند که مضامین سازمان‌دهنده مسئولیت‌های فرزندان در قبال والدین، شامل احسان و اطاعت هستند. واژه «احسان» به دلیل وسعت معنایی چشمگیر آن، مضامینی همچون انفاق، دعا کردن، قدرشناسی، تواضع، احترام گزاردن و گفتار کریمانه با والدین را در برمی‌گیرد. شاداب‌مهر و همکاران (۱۴۰۲)، طراحی الگوی خود‌هماهنگ‌سازی مبتنی بر سهم‌گذاری در مدیریت تعارض با نوجوانان را انجام دادند؛ و نتایج آن نشان داد که مادران با نگرش سهم‌گذارانه، خود‌هماهنگی را در ابعاد مختلف پرورش داده و با استفاده از راهبردهای مولد، کاهش تعارضات را بین خود و نوجوانشان تجربه کنند.

در پژوهشی دیگر، دشتی (۱۳۹۶) اثربخشی الگوی سهم‌گذاری برای بهبود روابط همسایگی را موردبررسی قرار داد و نتایج آن نشان داد که اثربخشی مداخله بر اساس الگوی سهم‌گذاری در بهبود روابط همسایگی مؤثر بوده است. رویکرد سهم‌گذاری یک روش نو و برگرفته از رویکرد اسلامی است و لذا در این مورد پیشینه خارجی موجود نیست.

همان‌طور که در بررسی‌های انجام‌شده مشاهده می‌شود تاکنون الگوها و روش‌های متعدد بسیاری در درمان تعارضات زناشویی و یا افزایش رضایت زناشویی مورد تحلیل و بررسی و آزمایش قرارگرفته است؛ و تا حدودی هم در درمان موفق بوده‌اند. ولی همچنان مشاهده سیر صعودی طلاق‌ها و تعارضات زناشویی در آمارهای مختلف حاکی از آن است که نیاز

## طراحی و اعتبار یابی الگوی مشاوره‌ای مدیریت تعارضات زناشویی...

مبرم و شدید به یک رویکرد مؤثرتر فرهنگی وجود دارد. به نظر می‌رسد بهتر است در مورد مسائل مربوط به خانواده از یک رویکرد بومی استفاده شود که بتواند به نحو مطلوب‌تری اصول و قوانین فرهنگی را در نظر گرفته و با توجه به آن تعارضات و مسائل مربوط به زناشویی را حل و فصل و صمیمیت را بین زوجین برقرار کند. از این رو این پژوهش با رویکرد سهم‌گذاری انتخاب شده است.

بر این اساس، پژوهش حاضر در نظر دارد از پتانسیل رویکرد سهم‌گذاری به‌عنوان زیربنای مستخرج از جهان‌بینی دینی جهت طراحی الگوی بومی بهره‌مند شود؛ به‌گونه‌ای که از طریق الگوی سهم‌گذاری و پرورش نگرش سهم‌گذارانه در مراجعین، به طراحی و اعتبار یابی الگوی مشاوره‌ای مدیریت تعارضات زناشویی بپردازد. لذا در پژوهش حاضر بنا داریم از طریق پاسخ به این پرسش که الگوی مشاوره‌ای مبتنی سهم‌گذاری در جهت کاهش تعارضات زناشویی از چه محتوا، فرایند و فنونی تشکیل شده است و سپس بررسی اعتبار درونی یافته‌ها بر اساس نظر صاحب‌نظران، الگوی موردنظر را ارائه نماییم.

### روش تحقیق

پژوهش حاضر از حیث هدف، یک پژوهش کاربردی بوده و از آنجاکه طراحی الگو نیاز به اطلاعات دقیق و عمیق بومی داشت، از شیوه‌های کیفی استفاده شد. تلاش شد با روش علمی و تلفیق روش استقرایی و قیاسی اطلاعات را به‌وسیله مصاحبه مرحله‌به‌مرحله به دست آورده و نهایتاً در قالب یک الگو اطلاعات را به‌صورت مفهومی و منسجم ارائه کنیم. سؤالات مصاحبه با زوجین دارای تعارضات زناشویی بر اساس مشورت با اساتید متخصص تدوین و تأیید اساتید اخذ گردید. نمونه‌گیری در روش زمینه‌ای به‌صورت هدفمند و در دسترس و مبتنی بر تجربه زیسته مشارکت‌کنندگان که دارای ملاک‌های

لازم بودند انجام شد. ملاک‌های ورود به پژوهش شامل مواد (۱) تمایل به شرکت در پژوهش (۲) رضایت آگاهانه از حضور در پژوهش (۳) بودن در زندگی مشترک حداقل به مدت ۵ سال و عدم ترک منزل (۴) سلامت روان و دریافت نمره سلامت عمومی در پرسشنامه ۵ GHQ) در پرسشنامه تعارضات زناشویی جمشیدی و همکاران (۱۳۹۵) نمره پایین‌تر از میانگین و در پرسشنامه سبک زندگی سهم‌گذارانه اسمعیلی و همکاران (۱۴۰۱) نمره بالاتر از میانگین داشته باشند. بر این اساس مصاحبه با مشارکت‌کنندگان تا حد اشباع (۱۲ نفر) ادامه یافت. مدت مصاحبه‌ها بین ۳۰ تا ۴۵ دقیقه به طول انجامید. مصاحبه با سؤالات کلی آغاز و به سمت سؤالات اکتشافی پیش رفت. محتوای مصاحبه‌ها با رضایت آگاهانه مصاحبه‌شوندگان ضبط و بعد به متن نوشتاری تبدیل و سپس طی سه مرحله کدگذاری و مورد تحلیل واقع شد. نهایتاً با بهره‌گیری از روش نظریه زمینه‌ای<sup>۱</sup> به الگوی مدیریت تعارضات زناشویی مبتنی بر الگو سهم‌گذاری (اهداف، محتوا، فرایند و فنون) آن دست‌یافتیم. سپس جهت اعتبار یابی و استفاده از نظر متخصصان، الگوی به‌دست‌آمده با ۵ مشاوره زوج درمانگر که با رویکرد سهم‌گذاری آشنا بودند به اشتراک گذاشته و اشکالات آن برطرف شد.

### یافته‌ها

به‌منظور پاسخگویی به سؤال اول پژوهش، از طریق یافته‌های به‌دست‌آمده از تحلیل مصاحبه‌ها، الگوی مشاوره‌ای مدیریت تعارضات زناشویی مبتنی بر رویکرد سهم‌گذاری جهت کاهش تعارضات زناشویی با سه بخش هدف، محتوا، فرایند و تکلیف استخراج شد. در ادامه جهت پاسخ به سؤال دوم پژوهش، اعتبارسنجی الگوی مستخرج نیز تحت نظارت متخصصان حوزه تعارضات زناشویی ارائه شد. فرایند به دست آمدن الگو در قالب شکل‌ها و جداول زیر ارائه شد.

1. Grounded theory

جدول ۱. اطلاعات جمعیت شناختی همسران سهم گذار کم تعارض با رضایت زناشویی بالا

| کد | جنسیت | سن | تحصیلات         | شغل       | سن ازدواج | تعداد فرزندان |
|----|-------|----|-----------------|-----------|-----------|---------------|
| ۱  | زن    | ۴۰ | کارشناسی ارشد   | پژوهشگر   | ۱۷        | ۳             |
| ۲  | زن    | ۴۶ | کارشناسی        | معلم      | ۲۵        | ۳             |
| ۳  | زن    | ۴۵ | طلبه سطح ۳      | خانه‌دار  | ۲۴        | ۳             |
| ۴  | زن    | ۴۳ | دکترای کامپیوتر | هیئت علمی | ۱۷        | ۲             |
| ۵  | زن    | ۴۲ | کارشناسی ارشد   | پژوهشگر   | ۲۴        | ۳             |
| ۶  | مرد   | ۳۷ | کارشناسی ارشد   | کارمند    | ۱۵        | ۲             |
| ۷  | زن    | ۳۴ | کارشناسی        | خانه‌دار  | ۱۵        | ۲             |
| ۸  | زن    | ۳۵ | کارشناسی ارشد   | خانه‌دار  | ۲۰        | ۵             |
| ۹  | زن    | ۳۳ | دکتری           | خانه‌دار  | ۶         | ۱             |
| ۱۰ | زن    | ۴۶ | تحصیلات حوزوی   | خانه‌دار  | ۱۸        | ۲             |
| ۱۱ | مرد   | ۶۳ | دیپلم           | راننده    | ۳۵        | ۴             |
| ۱۲ | زن    | ۴۶ | دیپلم           | خانه‌دار  | ۲۰        | ۳             |

### سؤال اول پژوهش

الگوی مشاوره‌ای مدیریت تعارضات زناشویی مبتنی بر رویکرد سهم‌گذاری دارای چه ویژگی‌های محتوایی، فرآیندی و فنی است؟

پس از انجام مصاحبه و پیاده‌سازی آن‌ها، کد انتخابی «شاخص‌های نگرشی سهم گذارانه همسران» که به‌عنوان عامل زمینه‌ای معرفی شده است، دارای ۸ کد محوری و ۱۹ کدباز است. همچنین، کد انتخابی «مدیریت تعارضات زناشویی» که تحت عنوان عوامل علی مشخص شده، دارای ۳ کد محوری و ۱۶ کدباز است. بعلاوه، کد انتخابی «راهبردهای مولد مؤثر» که به‌عنوان راهبردها شناسایی شده، دارای ۴ کد محوری و ۴۴ کدباز است. نهایتاً، مقوله محوری الگو با عنوان «مدیریت تعارضات زناشویی زوجین سهم گذار» در نظر گرفته شد. مقولات مستخرج از مصاحبه با همسران سهم گذار کم تعارض با رضایت

زناشویی بالا، در جدول (۲) به‌صورت کلی ارائه گردید.

در ادامه به شرح مختصری از این مؤلفه‌ها می‌پردازیم:

### عوامل زمینه‌ساز یا مؤلفه‌های نگرشی

نگرش‌های زوجین در محیط زندگی به‌عنوان عاملی پنهان موجب هدایت، رفتارهای آن‌ها در تعاملات زوجی است. این نگرش‌ها در سبک سهم‌گذاری شامل عناصری است که در کدهای باز و محوری خود را نشان داده است. به‌این‌ترتیب که کدهای محوری مؤلفه‌های نگرشی شامل ۹ بعد «اعتقاد به مبدأ و معاد»، «نگرش اتصال محور»، «فضای ذهنی معنا مدار»، «فضای ذهنی عاملیت و اختیار مداری»، «فضای ذهنی نیت مدار»، «فضای ذهنی قاعده‌مندی»، «فضای ذهنی هدفمندی»، «فضای ذهنی مسئولیت‌پذیری» است.

طراحی و اعتبار یابی الگوی مشاوره‌ای مدیریت تعارضات زناشویی...

جدول ۲. مقولات مستخرج از مصاحبه با همسران سهم گذار کم تعارض با رضایت زناشویی بالا

| کدهای انتخابی   | کدهای محوری  | کدهای باز  |
|---|--|--|
| <b>(عوامل زمینه‌ساز)</b><br>شاخص‌های نگرشی<br>سهم گذارانه     | اعتقاد به مبدأ و معاد  | مسئولیت‌پذیری و نگرش پاسخگویی همسر نسبت به عملکرد خود و مسیر مداری و نگرش امانت محور   |
|   | نگرش اتصال محور  | توجه به ارتباط کارآمد با خانواده همسر، درک معنای اتصال در روابط و درک معنای اتصال در هستی  |
|   | فضای ذهنی معنا مدار  | درک معنای منفعت در روابط، درک معنای مشکل و درس آموزی از تجربه، معنامندی در تفاوت‌ها و توجه به نظر همسر، معنا زایی در رنج‌ها و فشارهای زندگی  |
|   | فضای ذهنی عاملیت و اختیار مداری  | خودکنترلی به جای دیگر کنترلی / ایفای نقش احسن در همسری / آگاهی از قواعد انفاق و برکت و نگرش عاملیت به مسائل اقتصادی  |
|   | فضای ذهنی نیت مدار   | توجه به نیت نه نتیجه   |
|   | فضای ذهنی قاعده‌مندی   | حق محوری در ارتباط با همسر / رشد و تعالی شخصی به عنوان هدف همسری / توجه به اصول و قواعد تربیت الهی   |
|   | فضای ذهنی هدفمندی  | احساس مسئولیت نسبت به عملکرد خود / احساس مسئولیت نسبت به دارایی‌ها   |
| <b>(عوامل علی)</b><br>مدیریت تعارضات<br>زناشویی               | فضای ذهنی مسئولیت‌پذیری  | توجه به کنش‌های خود بر رفتار و شخصیت همسر / توجه به اثر کنش‌های خود بر نقش‌های دیگر همسر   |
|   | عوامل فردی مدیریت تعارضات زناشویی  | پذیرش انتقاد، درک شرایط همسر، رفتار منعطف، تفکر و افزایش شناخت نیازهای جسمی، تفکر و افزایش شناخت از نیازهای روحی، توجه به کلام و رفتار، مدیریت احساس و رفتار، هماهنگی میان تجارب دریافت شده و رفتار، توجه به اصل و فرع، عقل و خرد مبنای هدفمندی نه احساس   |
|   | عوامل زوجی مدیریت تعارضات زناشویی  | نگاه از دید او و درک همدلانه، لحاظ کردن خواسته همسر، همراهی و همدلی با تجارب زندگی همسر، توجه به هدف آرامش در زندگی زوجی و رفتار متناسب با آن  |
| <b>(راهبردها)</b><br>راهبردهای مولد و مؤثر همسران<br>سهم گذار | عوامل اجتماعی مدیریت تعارضات زناشویی   | درک فضای فرهنگی، تربیتی همسر، هماهنگی میان رفتار و بافت  |
|   | استفاده از منابع در کاهش تعارضات زناشویی   | استفاده از دانش بشری در حوزه زوج (کتاب و مشاوران)، استفاده از رسانه و شبکه‌های اجتماعی، استفاده از ظرفیت‌های محیطی، استفاده از حمایت اجتماعی، در نظر داشتن اقتضانات زمانی، ارتباط با دوستان و نزدیکان خردمند همسر، ارتباط با الگوهای کارآمد، استفاده از تجارب زیسته، کمک گرفتن از ریش‌سفیدان   |
|   | سبک آفرینی جدید به نفع رابطه   | تنظیم انتظارات، ایجاد تعادل بین مسئولیت‌های کاری و همسرداری، مرزبندی، توجه به توجه به مهم‌ترین‌ها در زندگی، گفتگوی مستقیم و شفاف، همکاری با همسر، رفیق و مدارا، تبدیل تهدیدها به فرصت‌ها، توجه به سود و زیان رفتار، یافتن رشد شخصی در سختی‌ها و چالش‌های رابطه، دیدن و پذیرفتن نقش‌های دیگر همسر، مشورت‌گیری، مراقبت از همسر، توکل، پذیرش قدرت اقتضایی همسر، گذشت، تعبیر و تفسیر مثبت از کنش‌های همسر، رعایت شئون خانوادگی همسر، تشکر و قدردانی، به رو نیابردن نقص‌ها، سکوت و خویشتن‌داری، انعطاف‌پذیری، پذیرش نقش و سهم خود در ناراحتی ایجاد شده، یادآوری شاخص‌های شروع زندگی، رعایت انصاف، ارتباط محترمانه |
|   | مودت و ابرازگری عاطفی در رابطه   | ابراز محبت غیرکلامی، ابراز محبت و دل‌تنگی کلامی، گرمی و صمیمیت، همدلی و درک همسر و انعکاس احساسات، همراهی با همسر، حمایت کردن از همسر، ایجاد فضای امن، اعتماد کردن به همسر، جملات تأییدکننده و تحسین‌کننده، به کارگیری جملات طنزآمیز، لحن صدای آرام و ملایم، گفتگو در زمانی که هر دو آمادگی داشته باشیم (زمان مناسب)، حرف‌های درگوشی یا نجوا کردن، قهر ممنوع، مدیریت خشم، تبرئه کردن همسر، گفتگوی دوستانه  |
| وقت گذاری مشترک   | تفریح، زیارت، گفتگوی روزمره عادی، فیلم دیدن، ورزش و نرمش، هیئت و جلسه قرآن، غذا خوردن، باهم رفتن در رختخواب، خرید کردن برای منزل، سر زدن به والدین |  |

گزاره‌های ارائه‌شده در مصاحبه‌ها با زوجین سهم گذار، فضای ذهنی آنان را بدین گونه بیان می‌کرد:

« همسر فقط مال من نیست و خانواده اش هم حق دارند، اگر من نتوانم این نوع از رابطه را بپذیرم و اینکه او قبل از من متعلق به یک خانواده بوده و نسبت به آنان حقوقی دارد، چطور می‌توانم حقوق خود را به او یادآور شوم؟ اصلاً عجیب است این که من همچنین انتظاراتی داشته باشم چون خودم قبل از آن منکر یکسری روابط سابق او شده‌ام در جای دیگر فضای اختیار مداری و عاملیت سهم گذار این گونه بیان می‌شود: «من سعی می‌کنم به همسر خوب باشم و روی رفتار خودم کنترل داشته باشم چون مدام که نمیتونم همسر رو کنترل کنم من روی رفتار خودم سعی می‌کنم دقت لازمو داشته باشم. با خودم گفتم اینکه مدام بخوای همسرت رو کنترل کنی تا تو اذیت نشی، چیزی به جز اذیت بیشتر خودت به همراه نداره. بیا بجای اینکار ببین خودت چکار کنی کمتر این مشاجرات رخ می‌ده. کنترل رو از روی او برداشتم و بیشتر خودم رو مدیریت کردم». در فضای ذهنی قاعده‌مند فرد سهم گذار، حق را محور تمام امور و ارتباطات خود می‌پندارد و در جهت رسیدن به آن تلاش می‌کند « ببینید من توی ارتباط با همسر هدفم اینه که جوری باشم که خدا راضی باشه. امام زمانم راضی باشه ازم. بنا نیست چیزی که دلم می‌خواد انجام بدم. » و در همین فضای قاعده‌مند فرد سهم‌گذار اولویت‌بندی نقش‌های متعدد خود را دارد و برای تحقق آن تلاش می‌کند « نقش مادری و همسری من اولویت دارد. رسالت یک زن اول همسرمداری و مادری است. من مشغله بیرون را دوست دارم، تحصیل کرده هستم ولی همیشه اولویت اولم کانون خانواده استمثلا من فکر می‌کردم شوهرمداری و فرزند پروری مانع رشد شخصی من است. از درس و رشد شغلی عقب می‌افتم. البته نمی‌گم نمی‌افتم و مثل قبل در مسیر پیشرفت درسی و شغلی هستم، نه اینطور نیست. ولی من رشد دیگری کردم شاید شما الان متوجه نشوید من خودم

که خودم رامی‌بینم با سال‌های قبل مقایسه می‌کنم خیلی رشد کردم. خیلی فرق کردم و این به خاطر در کنار او بودن است». از آنجا که مؤلفه زمینه‌ساز نگرشی شامل اجزای شناختی و عاطفی هستند و آمادگی فرد را جهت انجام عمل مؤثر فراهم می‌آورند و همچنین سبب می‌شوند، فضای ذهنی فرد آمیخته از مفاهیم ارزشمند بنیادی شود و به‌مرور زبان و تفکر و تجربه و رفتار فرد سهم‌گذار نه بنیان خانواده را محکم‌تر پایه‌ریزی نماید، چراکه این مفاهیم از شاخص‌های ارزشمند دینی نشأت گرفته و مطابق با فطرت بشر است.

### عوامل علی

(عوامل علی): مدیریت تعارضات زناشویی؛ کد انتخابی دیگری است که به‌عنوان عامل علی در الگو انتخاب‌شده و شامل سه شناسه محوری است. در واقع بدون مدیریت تعارضات انجام راهبردها کارایی نخواهد داشت و اثربخشی راهبردها منوط به زمانی است که فرد مدیریت تعارضات را در ابعاد مختلف خود در ارتباط با همسر لحاظ کرده باشد. این سه محور شامل: **عوامل فردی مدیریت تعارضات زناشویی** (دارای ده زیر مقوله تحت عنوان پذیرش انتقاد، درک شرایط همسر، رفتار منعطف، تفکر و افزایش شناخت نیازهای جسمی، تفکر و افزایش شناخت از نیازهای روحی، توجه به کلام و رفتار، مدیریت احساس و رفتار، هماهنگی میان تجارب دریافت شده و رفتار، توجه به اصل و فرع، عقل‌مبنای هدفمندی)، **عوامل زوجی مدیریت تعارضات زناشویی** (چهار زیر مقوله: نگاه از دید او و درک همدلانه، لحاظ کردن خواسته همسر، همراهی و همدلی با تجارب زندگی همسر، توجه به هدف آرامش در زندگی زوجی و رفتار متناسب با آن)، **عوامل اجتماعی مدیریت تعارضات زناشویی** (دو خرده مقوله تحت عنوان درک فضای فرهنگی، تربیتی همسر، هماهنگی میان رفتار و بافت) است. برخی از گزاره‌های ارائه‌شده در مصاحبه‌ها با زوجین سهم



گذار، فضای ذهنی آنان را بدین گونه بیان می‌کرد:

« من از مادرم یک حرف انتقادآمیز یا حرفی دیگه هر چند نصیحت، رو می‌پذیرم اما همون نصیحت رو هر چند بسیار نرم‌تر از همسر یا مادرش نمی‌پذیرم. البته به شرایط روحی و حوصله‌ام هم برمی‌گرده. من این را متوجه شدم؛ و اجازه نمی‌دم این مطلب بین ما رو بهم بزنه. چه اشکالی داره اگر اونا هم ایرادی می‌بینند بگند». پذیرش انتقاد از عوامل فردی بود که در مصاحبه‌ها به آن اشاره شد؛ و یا در مصاحبه دیگر توجه به کلام و رفتار « من روی رفتارهای خودم خیلی توجه دارم به‌گزینه‌ش کلمه‌هاییم توجه دارم به رفتارم توجه دارم اینکه به نوع رفتارم توجه کنم و هر کلمه‌ای را به کار نبرم خیلی برایم مهمه. زمانی که ناراحت می‌شدم اول سکوت می‌کردم خوب فکر می‌کردم موقعی که داغ می‌کردم اصلاً حرف نمی‌زدم چون حرفم را نمی‌توانستم بی‌زم لحظه که هیجانان من بر من غلبه کرده ۱۰۰ تا حرف به ذهنم هجوم آورده اصلاً لحن صدای من و نوع گفتگوی من متفاوت می‌شد».

### راهبردهای مؤثر

عناصر اصلی این مؤلفه با چهار محور، «استفاده از منابع» «سبک آفرینی جدید به نفع رابطه» «مودت و ابرازگری عاطفی» و «وقت‌گذاری مشترک» فهرست گردیده‌اند، (هرکدام از این محورهای اصلی دارای خرده مؤلفه‌های بسیاری هستند). این راهبردها در واقع شیوه‌هایی هستند که فرد به‌منظور مدیریت تعارضات زناشویی با همسر و داشتن رابطه رضایت‌بخش و آرام بکار می‌گیرد. به‌طور مثال در استفاده از دانش بشری در حوزه زوج (کتاب و مشاوران) که مربوط به استفاده از منابع است، شرکت‌کننده‌ای بیان می‌کرد:

« چندین بار اوایل زندگی به افرادی که تو فامیل امین بودند مراجعه کردم. می‌ترسیدم این مشاخره‌ها کار رو به‌جاهای باریک برسونه. گاهی کتاب‌های مناسب روابط زوجی می‌خوندم،

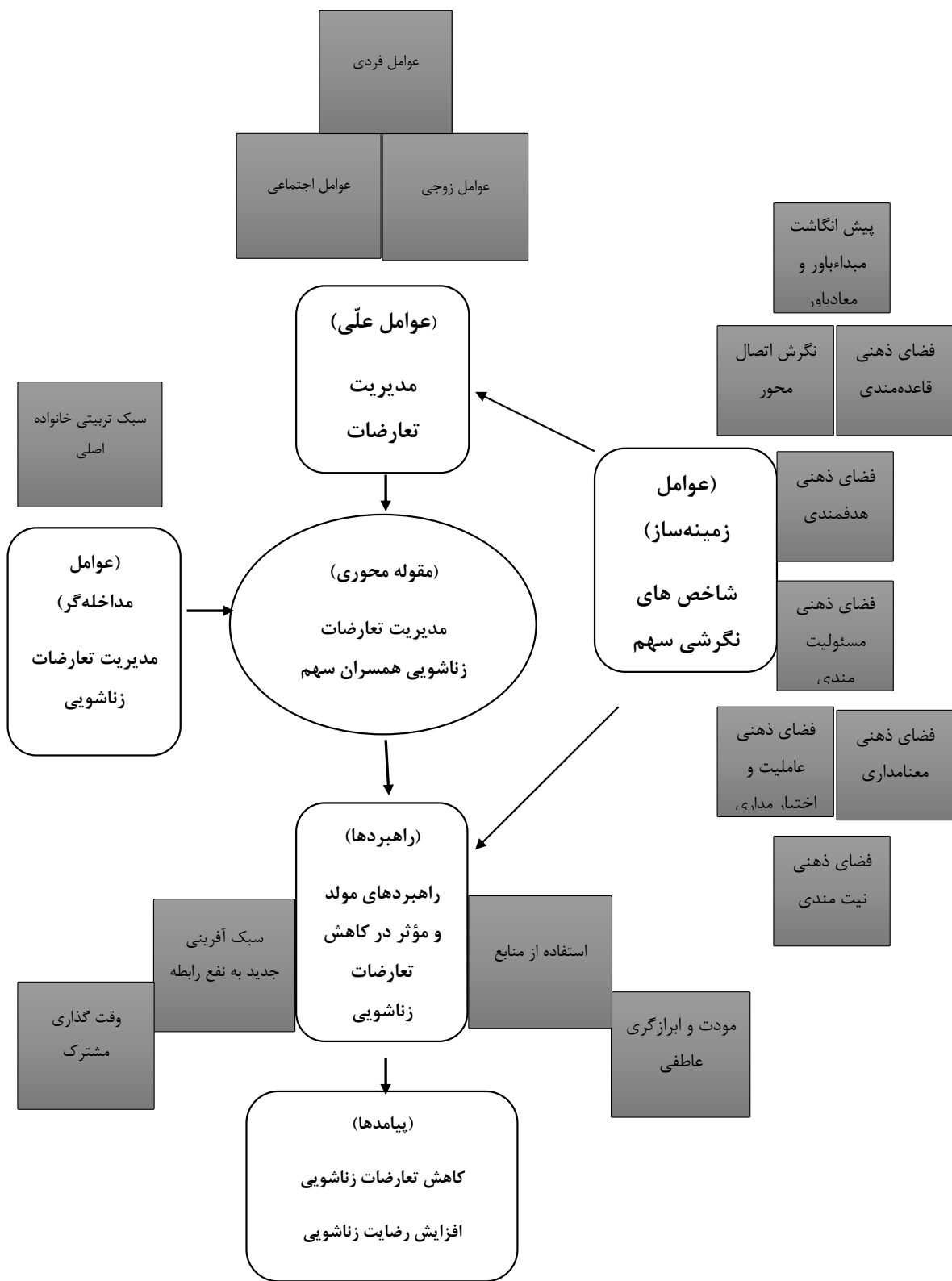
مطالب خوبی داشت. شاید باورتون نشه من حتی کتاب اربعین حدیث امام رو با نیت درست شدن برخی اخلاقیات خودم می‌خوندم تا در رابطه بهتر عمل کنم. فکر می‌کنم مؤثر بود. چند بار هم مشاوره رفتیم. اونم خوب بود و نگاهم رو عوض می‌کرد»

تنظیم انتظارات در سبک آفرینی جدید مشارکت‌کنندگان یکی دیگر از راهبردهای مؤثر آنان بود.

« اوایل من خیلی توقعات و انتظار زیادی داشتم، همیشه فکر می‌کردم حق با من است باید بیاید عذرخواهی کند و از رفتار زشت خود پشیمان شود و رفتارش را تغییر دهد اصلاً فکر نمی‌کردم وقتی یک آدمی ۳۰ ساله شده، عوض شدنش به این راحتی نیست اوایل این اشتباه رو می‌کردم که فکر می‌کردم باید هم عذرخواهی کند هم رفتارش را تغییر دهد و مطابق آن چیزی شود که من می‌خواهم. با خودم فکر می‌کردم چرا وقتی که عذرخواهی می‌کند و می‌گوید آره ببخشید حواسم به این نکته نبود، دوباره آن کار را انجام می‌دهد پس می‌خواستیم حتماً رفتارش را هم عوض کند و دوباره آن کار را انجام ندهد».

تبرئه کردن همسر نیز یکی دیگر از راهبردهای مؤثر زوجین بود که در ادامه جملات شرکت‌کننده بیان می‌شود:

« من وقتی ناراحتی‌ام را به همسر می‌گم دیگه تمومش می‌کنم میدونید چرا چون من می‌خواستیم یک خبری رو به او برسونم مثلاً بگم وقتی می‌ریم ۱۸ ساعت در باغ می‌مونیم و تو پیش من نمی‌آیی این مرا ناراحت می‌کنه اینکه همش دور مادرت می‌چرخه به من احساس غربت و تنهایی دست می‌ده. گاهی ممکن بود بگه ای‌وای عزیزم ببخشید من نمی‌خواستیم تو رو اذیت کنم ای‌بابا چه کار اشتباهی کردم می‌گفتم نه عزیزم من نمی‌خواهم تو خودت را سرزنش بکنی من فقط می‌خواستیم احساس درونی‌ام را به تو بگم می‌دونم که تو قصدت این نبوده یعنی خودم اورا تبرئه می‌کردم یعنی نمی‌گفتم آره تو همش منو تنها گذاشتی تو مرا رها کردی».



شکل ۳. الگوی پارادایمی مدیریت تعارضات زناشویی همسران سهم گذار

### عوامل مداخله‌گر

عامل مداخله‌ای مؤثر همسران سهم‌گذار در کاهش تعارضات زناشویی است. این عامل یکی دیگر از کدهای انتخابی است که به‌عنوان مداخله در الگو شناسایی شده و شامل یک شناسه محوری، یعنی سبک تربیتی خانواده اصلی است. درنهایت پس از کدگذاری محوری، ارتباط میان مقوله‌ها با یکدیگر در قالب الگوی پارادایمی مبتنی بر نظریه زمینه‌ای شناسایی شد و در شکل (۳) الگو به‌صورت شکل منسجم ارائه شده است.

### سؤال دوم پژوهش:

**اعتبار الگوی مشاوره‌ای مدیریت تعارضات زناشویی مبتنی بر رویکرد سهم‌گذاری بر اساس نظرات متخصصان مشاوره در حوزه مشاوره و زوج چگونه است؟**

پس از تهیه و تدوین الگوی مشاوره‌ای، در مرحله بعد، اعتبار یابی الگوی استخراج‌شده باهدف سنجش و ارزیابی دقت اطلاعات گردآوری‌شده از طریق داده‌های کیفی صورت گرفت. بدین منظور از (۱) روش بازبینی اعضا استفاده شد<sup>۱</sup>: طی پژوهش، در پایان هر مرحله از کدگذاری، مقوله‌های حاصل از طریق ارتباط با مصاحبه‌شوندگان موردبررسی مجدد قرار می‌گرفت. (۲) نمونه‌گیری نظری: بعد از انجام هر مصاحبه و تحلیل داده‌ها و نیز استخراج مقوله‌ها، مصاحبه با شرکت‌کننده بعدی از طریق مفاهیم به‌دست‌آمده از مصاحبه قبلی انجام و تا اشباع نظری داده‌ها، ادامه یافت. (۳) توصیف غنی و پرمحتوا<sup>۲</sup>: به‌منظور افزایش اعتبار داده‌ها، همه مصاحبه‌ها ضبط و پیاده‌سازی شدند تا با بررسی‌های چندین‌باره، داده‌های پرمحتوا و غنی از آن‌ها جمع‌آوری و همه جزئیات سخنان در دسترس محقق قرار گیرد. (۴) نظارت متخصصان: در این بخش از پژوهش مقوله‌های کدگذاری

شده و مفاهیم استخراج‌شده در اختیار خبرگان و متخصصان حوزه مشاوره و سهم‌گذاری قرار گرفت تا بر فرآیند کدگذاری و مقوله‌های استخراج‌شده نظارت کنند و اصلاحات لازم اعمال شود. از این‌رو به‌منظور اعتبار یابی الگوی استخراج‌شده، از شاخص نسبت روایی محتوایی یا CVR<sup>۳</sup> و شاخص روایی محتوایی یا CVI<sup>۴</sup> استفاده شد. در این بخش، برای شاخص CVI از پنج متخصص خواسته شد میزان مرتبط بودن اجزای الگو را با اهداف آن بر اساس طیف «غیر مرتبط، نیاز به بازبینی، مرتبط اما نیاز به بازبینی، و کاملاً مرتبط» مشخص کنند. در نتیجه پژوهش حاضر مقوله‌هایی که شاخص آن‌ها بزرگ‌تر از ۰/۷۹ بود در الگو حفظ شدند. در این قسمت هر مؤلفه که حداقل مقدار روایی یعنی CVR آن ۰/۷۵ بود پذیرفته شد.

### بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های حاصل از پژوهش نشان‌دهنده آن بود که همسران با برخورداری از نگرش مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی نسبت به عملکرد خود، مسیر مداری و نیز نگرش امانت محور نسبت به همسر و اعتقاد به مبدأ باور و معاد، به کاهش تعارضات زناشویی خود کمک می‌کردند. همچنین، همسران توانسته بودند با توجه به ارتباط کارآمد با خانواده همسر، درک معنای اتصال در روابط و هستی، درک معنای منفعت در روابط و درس‌آموزی از تجربه، معنامندی در تفاوت‌ها و توجه به نظر همسر، معنا زایی در رنج‌ها و فشارهای زندگی و نیز از طریق خودکنترلی به‌جای دیگر کنترلی و ایفای نقش احسن در همسری، آگاهی از قواعد انفاق و برکت و نگرش عاملیت به مسائل اقتصادی روابط خود را با همسر به‌گونه‌ای مدیریت کنند که به کاهش تعارضات منجر گردد برخی از این یافته‌ها، با نتایج سایر پژوهش‌ها مانند اسمعیلی (۱۳۹۳) و شاداب‌مهر و همکاران (۱۴۰۲)،

3 Content Validity Ratio  
4 Content Validity Index

1 Member checking  
2 Rich and thick description

عسلی طالکویی و همکاران (۱۴۰۱)، حاجی هاشم و همکاران (۱۴۰۰)، مرادی و همکاران (۱۴۰۱)، دهدست و همکاران (۱۴۰۰) و شعبانی (۱۳۹۷) همسویی دارد.

زوجین از طریق ایجاد مدیریت کنش‌های خود که به عوامل علی در الگو معرفی شده‌اند، روابط خود را به سمت تعارض کمتر سوق دهند. آن‌ها با افزایش آگاهی و شناخت و رفتار خود در پذیرش انتقاد، درک شرایط همسر، رفتار منعطف، تفکر و افزایش شناخت نیازهای جسمی و روحی همسر، توجه به کلام و رفتار، مدیریت احساس و رفتار خود، هماهنگی میان تجارب دریافت شده و رفتار، توجه به اصل و فرع، توجه به مبنای عقل نه احساس محض، نگاه از دید همسر و درک همدلانه، لحاظ کردن خواسته همسر، همراهی و همدلی با تجارب زندگی همسر، توجه به هدف آرامش در زندگی زوجی و رفتار متناسب با آن، درک فضای فرهنگی، تربیتی همسر، هماهنگی میان رفتار و بافت، همگی عوامل و عناصری هستند که زوجین را به سوی کاهش تعارضات زناشویی و آرامش و رضایت زناشویی سوق می‌دهند. این یافته‌ها تا حدودی با برخی نتایج پژوهش‌های خدادادی سنگده (۱۳۹۳)، گاتمن (۱۹۹۴؛ ۱۹۹۹)، همسویی و مطابقت دارد.

هرکس باید خود را با معیار حق و الهی هماهنگ کند. معیارهای شخصی، اهداف خودمحورانه‌ای است که سبب می‌شود، انسان‌ها هیچ‌گاه نتوانند باهم همراه شوند. مسئول بودن فرد در سهم‌گذاری در مقابل کل هستی، خود فرد، حق طرف مقابل و خداوند است. اگر افراد بر اساس خواسته‌ها و امیال خود بخواهند در رابطه زوجی قرار گیرند، آنچه مسلم رخ خواهد داد تعارضات شدید و عدم مدیریت آن است چراکه تفاوت‌های بسیاری در نیازهای افراد وجود دارد. تفاوت در میزان شدت، جهت، تنوع و هزاران تفاوت دیگر تا جایی که تفاوت در جنسیت زوجین نیز ادراک‌های متفاوتی از نیازها را ایجاد می‌کند (صاحبی، ۱۳۹۷).

زوجین سهم‌گذار با یافتن راهبردهای مؤثر از طریق استفاده از منابع تعارضات خویش را کاهش می‌دهند. همسو با این یافته‌ها و نقش منبع ارتباط با دوستان و نزدیکان خردمند همسر طبق گفته برونفنبرنر (۱۹۷۹، ۱۹۸۶، ۲۰۰۵)، هر فرد بخشی از یک ریز سیستم<sup>۱</sup> منحصر به فرد است که به میان سیستم<sup>۲</sup>، برون سیستم<sup>۳</sup> و کلان سیستم<sup>۴</sup> خاصی متصل است. ارتباطات و تعاملات معاملاتی این سامانه‌ها به تولید، توزیع، توسعه و تعامل انسانی کمک می‌کند (برونفنبرنر، ۱۹۷۹، ۱۹۸۶، ۲۰۰۵).

از طرفی آن‌ها با سبک آفرینی جدید به نفع رابطه با استفاده از تنظیم انتظارات و ایجاد تعادل بین مسئولیت‌های کاری و همسر داری، مرزبندی و دیگر موارد، تعارضات خود را کاهش داده‌اند. نقش عامل تنظیم انتظارات و تغییر رفتارها، همسو با یافته‌های راکهام و لارسون (۲۰۲۰) بود، همچنین آن‌ها با استفاده از مودت و ابرازگری عاطفی موجب کاهش تعارضات خود شدند. در همین راستا با پژوهش‌های (روتنبرگ و همکاران، ۲۰۱۸)، (جانسون و همکاران<sup>۵</sup>، ۲۰۱۳) که تعارض را سبب ایجاد محیط ناامن و نامناسب برای خانواده می‌دانند، همسو است. امنیت در رابطه، موجب تغییرات پایدار در رابطه زوجین و رضایت زناشویی آن‌ها می‌شود (نقی نسب اردهائی، ۱۳۹۷ و جعفری، ۱۳۹۷)، (بریمهال و همکاران<sup>۶</sup>، ۲۰۱۸؛ کاستلانو و همکاران<sup>۷</sup>، ۲۰۱۴؛ ویجایا و ویدیانینگسیه<sup>۸</sup>، ۲۰۲۰) و یا در مورد تحسین و احترام این پژوهش همسو با یافته‌های گاتمن و کروکف<sup>۹</sup> (۱۹۸۹) است.

1 microsystem

2 mesosystem

3 exosystem

4 macrosystem

5 Johnson SM & et al.

6 Brimhall et al

7 Castellano et al

8 Wijaya & Widyaningsih

9 Gottman, & Krokoff



### طراحی و اعتبار یابی الگوی مشاوره‌ای مدیریت تعارضات زناشویی...

درمجموع دیدگاه این پژوهش تنها بر یک رفتار مثبت تأکید نمی‌کند و بر این اعتقاد است که هر انسانی با توجه به جایگاهی که دارد، قادر است با دیگران به رابطه انسانی بپردازد که منجر به رشد و توسعه در "من" می‌گردد، پس می‌تواند هر آنچه خیر در وجود خود دارد، در نهایت گسترش وجودی خویش قرار دهد.

### تشکر و قدردانی

این مقاله برگرفته از پایان‌نامه دکتری در رشته مشاوره است. بدین‌وسیله از تمامی مشاوران و افرادی که در جریان این پژوهش ما را همراهی نمودند، صمیمانه تشکر می‌گردد.

۱۴. فتحی، الهام؛ اسمعیلی، معصومه؛ فرحبخش، کیومرث؛ دانشپور، منیژه (۱۳۹۴). تعارض و استراتژی‌های حل آن در زوجین رضایتمند. فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی. ۶ (۲۴): ۲۹-۵۴.
۱۵. فهیمه، فداکار داورانی؛ سیفی، مریم؛ کاظمیان، سمیه. (۱۳۹۸) اثربخشی درمان مرور زندگی با منظر سهم‌گذاری بر بهبود عملکرد خانواده و الگوهای ارتباطی زنان باردار در بحران زلزله کرمانشاه (مقاله پژوهشی دانشگاه آزاد). روان‌شناسی تحلیلی شناختی سال دهم زمستان ۱۳۹۸ شماره ۳۹-۳۹-۵۰.
۱۶. مرادی، میترا؛ اسمعیلی، معصومه؛ کرمی‌قهی، محمدتقی (۱۴۰۱). الگوی گفتمان امید با محوریت سهم‌گذاری. علوم روان‌شناختی دوره ۲۱ بهار (خرداد) شماره ۱۱۱.
17. Brimhall, A. S. Bonner, H. S. Tyndall, L. & Jensen, J. F. (2018). Are you there for me? The relationship between attachment, communication, and relationship satisfaction of law enforcement officers and their partners. *Journal of Couple & Relationship Therapy*, 17(4), 338-361.
18. Brimhall, A. S. Bonner, H. S. Tyndall, L. & Jensen, J. F. (2018). Are you there for me? The relationship between attachment, communication, and relationship satisfaction of law enforcement officers and their partners. *Journal of Couple & Relationship Therapy*, 17(4), 338-361.
19. Bronfenbrenner, U. (1986). Ecology of the family as a context for human development: Research perspectives. *Developmental Psychology*, 22(6), 723-742.
20. Bronfenbrenner, U. (Ed). (2005). Making human beings human, bioecological perspectives on human development. Sage Publications.
21. Castellano, R. Velotti, P. Crowell, J. A. & Zavattini, G. C. (2014). The role of parents' attachment configurations at childbirth on marital satisfaction and conflict strategies. *Journal of Child and Family Studies*, 23(6), 1011-1026.
22. Castellano, R. Velotti, P. Crowell, J. A. & Zavattini, G. C. (2014). The role of parents' attachment configurations at childbirth on marital satisfaction and conflict strategies. *Journal of Child and Family Studies*, 23(6), 1011-1026.
23. Gottman, J. & Gottman, J. (2017). The natural principles of love. *Journal of Family Theory and Review*, 9(1), 7-26.
24. Gottman, J. M. & Gottman, J. S. (2015). Gottman couple therapy. In Gurman, A. S. Lebow, J. L. &
۱. اسمعیلی، معصومه. (۱۳۹۳). ارائه الگوی خانواده‌درمانی سهم‌گذاری در حل تعارضات خانواده. فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی، (۲۰)، ۵-۵۷-۲۷.
۲. اسمعیلی، معصومه. (۱۳۹۴). بررسی عوامل خود درمان‌بخش تعارضات زوجین در مبانی روابط چهارگانه انسانی (ارتباط با خدا، خود، هستی و دیگران) از نگاه جوادی‌آملی. فصلنامه فرهنگی تربیتی زنان و خانواده (۳۱)، ۱۰-۸۹، ۱۰۵-۱۰۵.
۳. اسمعیلی، معصومه؛ دهدست، کوثر؛ قبادی، شهاب؛ عسگری، محمد. (۱۳۹۹). مطالعه کیفی الگوی سهم‌گذاری در مشاوره با رویکرد اسلامی و نقش آن در پایداری تغییرات نوع اول، دوم و سوم مراجعان. مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی؛ ۵ (۴): ۳۲-۷.
۴. اسمعیلی، معصومه؛ شاداب مهر، فهیمه؛ و دهدست، کوثر. (۱۴۰۲). تدوین و بررسی برخی ویژگی‌های روان‌سنجی پرسشنامه سبک زندگی سهم‌گذارانه. فصلنامه علمی پژوهش‌های مشاوره. ۲۲ (۸۶): ۵۶-۸۷.
۵. اسمعیلی، معصومه؛ مرادی، میترا؛ کرمی‌قهی، محمدتقی. (۱۴۰۱). الگوی گفتمان امید با محوریت سهم‌گذاری. علوم روان‌شناختی، ش ۱۱۱، ۴۶۰-۴۴۲.
۶. حاجی‌هاشم، فاطمه (۱۳۹۹). طراحی الگوی مشاوره‌ای " اخلاق ارتباطی " مبتنی بر اندیشه و عمل امام موسی صدر با تمرکز بر رویکرد سهم‌گذاری و تعیین اثربخشی آن بر هویت جمعی دوره نوجوانی. پایان‌نامه دکتري. دانشگاه علامه طباطبائی.
۷. خدادادی سنگده، جواد؛ نظری، علی‌محمد؛ احمدی، خدابخش (۱۳۹۶). شاخص‌های سلامت خانواده و ارائه مدل مفهومی خانواده سالم اسلامی- ایرانی: مطالعه کیفی روانشناسی و دین. پاییز ۱۳۹۶ ۴۰ (۳۹)
۸. دشتی، اعظم (۱۳۹۶). اثربخشی الگوی سهم‌گذاری در روابط همسایگی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبائی.
۹. دهدست، کوثر؛ اسماعیلی، معصومه. (۱۴۰۱). فرزند پروری اخلاق محور: تعریف، مبانی و اصول تربیتی مبتنی بر آرای علامه طباطبائی. پژوهش‌های مشاوره جلد ۱۹ پاییز ۱۳۹۹ شماره ۷۵-۲۹۰-۳۲۶.
۱۰. دهدست، کوثر؛ امیدبخش، مژگان؛ قهرمانی مطلق، فاطمه. (۱۴۰۲). اثربخشی برنامه‌سازگاری با خانواده همسر مبتنی بر نظریه قرانی سهم‌گذاری در ارتقای رضایت زناشویی: مطالعه تک آزمودنی. (برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دستاوردهای روانشناسی بالینی. ۱ (۹).
۱۱. شاداب مهر، فهیمه؛ اسمعیلی، معصومه؛ رضا پور، یاسر. (۱۴۰۲). طراحی الگوی خود‌هماهنگ‌سازی مبتنی بر سهم‌گذاری در مدیریت تعارض با نوجوانان. رساله دکتري. کتابخانه دانشگاه علامه طباطبائی.
۱۲. شعبانی، منظر (۱۳۹۷). بررسی کیفی نقش گفتمان سهم‌گذاری در زنان رضایتمند و مطلقه. پایان‌نامه ارشد دانشگاه علامه.
۱۳. عسلی‌طالکوتی، سکینه؛ اسمعیلی، معصومه؛ برج علی، احمد؛ عسگری، محمد. (۱۴۰۱). طراحی و اعتبار‌یابی الگوی تعاملات والد-فرزندی مبتنی بر آموزه‌های قرآنی با تمرکز بر رویکرد سهم‌گذاری (مقاله مستخرج از رساله دکتري مشاوره). علوم تربیتی از دیدگاه اسلام سال دهم بهار و تابستان ۱۴۰۱ شماره ۱۸.

- Snyder, D. K. (Eds.), *Clinical Handbook of Couple Therapy* (5th ed). (pp.129-157). Guilford Press.
25. Gottman, J. M. & Krokoff, L. J. (1989). The relationship between marital interaction And marital satisfaction: A longitudinal view. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 57, 47—52.
26. Gottman, J. M. & Silver, N. (2015). *The seven principles for making marriage work* (Second ed). Harmony Books.
27. Gottman, J. M. (1979). *Marital interaction: Experimental investigations*. Academic Press.
28. Gottman, J. M. (1999). *The marriage clinic: A scientifically based marital therapy*. W.W. Norton & Company.
29. Gottman, J. M. Gottman, J. S. Cole, C. & Preciado, M. (2020). Gay, lesbian, and heterosexual couples about to begin couples therapy: An online relationship assessment of 40,681 couples. *Journal of Marital and Family Therapy*, 46(2), 218-239.
30. Hahlweg, K. Markman, H. J. Thurmaier, F. Engl, J. & Eckert, V. (1998). Prevention of marital distress: Results of a German prospective longitudinal study. *Journal of family psychology*, 12(4), 543.
31. Johnson, M. D. Horne, R. M. Hardy, N. R. & Anderson, J. R. (2018). Temporality of couple conflict and relationship perceptions. *Journal of Family Psychology*, 32(4), 445-455.
32. Johnson, S. M. (2013). Broken bonds: An emotionally focused approach to infidelity. In *Handbook of the clinical treatment of infidelity* (pp. 17-29). Routledge.
33. Mbwirire, J. (2017). Causes of marital conflicts in Christian marriages in Domboshawa area, Mashonaland East Province, Zimbabwe.
34. Troupe, F. (2008). *Marital conflict: a longitudinal study*. The Florida State University
35. Wijaya, A. P. & Widyaningsih, Y. A. (2020). The role of dyadic cohesion on secure attachment style toward marital satisfaction: A dyadic analysis on couple vacation decision. *Journal of Quality Assurance in Hospitality & Tourism*, 22(1), 119-142.



## Designing and Validating the Counseling Model for Managing Marital Conflicts Based on the Sahmgozari\* Approach

Zahra Motahari Nasab<sup>1\*</sup>, Masoumeh Esmaeily<sup>2</sup>, Ebrahim Naimi<sup>3</sup>, Mohammad Asgari<sup>4</sup>

### Abstract

The purpose of the current research was to design and validate the counseling model for managing marital conflicts based on the Sahmgozari approach. This research was conducted with the grounded theory method, to design a model, couples were interviewed who scored lower than the average score in the Marital Conflicts Questionnaire by Jamshidi & et al. (1395) and in Enrich's Marital Satisfaction Questionnaire (1989) and the Sahmgozari Life Style Questionnaire of Ismaili et al. (1400), and they scored higher than the average. To analyze the interviews using the grounded theory method, a model based on the contribution approach was obtained. Then, to validate the model, it was evaluated and modified by Guba & Lincoln (1985) method by experts and counseling experts in the field of couples counseling. Then, in order to evaluate the effectiveness of the model by targeted sampling method, the obtained model was performed on three couples who were willing to cooperate and due to marital and family conflicts went to counseling centers in Tehran city (Fahm, Masir Solh, Khadem yaran Astan Qods Razavi) and the results were analyzed using a single subject design method with an AB type baseline. The results showed that the designed model has increased marital satisfaction among couples.

**Keywords:** Marital conflicts, marital satisfaction, sharing, pattern design

\* The English equivalent was not given for this word because an equivalent that covers all the meanings was not found in English, and in this way the reader will seek to understand the text to understand the meaning

- 1\*. Corresponding author; Ph.D. student of Counseling, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran  
Motahari1355@gmail.com
2. Professor, Department of Counseling, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran
3. Assistant Professor, Department of Counseling, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran
4. Associate Professor of Measurement and Measurement Department, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran